JORH
Journal of Religions & Health
J Religions & Health, 2023; 1(3): ---. Doi: 10.32592/jorh.1.2.---
https://aijrh.umsha.ac.ir/

Original

The Health of Beliefs: Explaining the Role of Psychological Factors in Avoiding Critical Thinking According to the Teachings of the Qur'an

Hassan Bagheri Nia[1*], Fatemeh Bahrami[2], Hossein Akbari Amraghan[3], Hiva Zakeri[4]

1.Assistant Professor of Philosophy of Education, Department of Education, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran
2.Assistant Professor of Educational Psychology, Department of Educational Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran
3.Assistant Professor, Department of Counseling and Psychology, Islamic Azad University, Qochan, Iran
4.Psychology student of Hakim Sabzevari University, Department of Educational Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Article history:
Received: 05 August 2022
Revised: 16 September 2022
Accepted: 21 September 2022
ePublished: 23 September 2022

*Corresponding author: Hassan Bagherinia, Department of Educational Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Email: hbagherinia@gmail.com

Abstract

Background and Objective: The purpose of religiosity is to lead man to a pure life in which thinking occupies an important place, As for the factors that affect proper thinking, in addition to cognitive factors, some non-cognitive factors are also obstacles to critical thinking and thus harm the health of thinking. The aim of this study is to explain the psychological or non-cognitive factors that prevent critical thinking.

Materials and Methods: The method of this study is to analyze the concepts according to the semantic network and compare the synonymous and contradictory concepts.

Results: The results show that fears and tendencies, including habit, wishful thinking, extreme collectivism, the pursuit of psychological certainty and certainty, are among the non-cognitive factors that play a role in the avoidance critical thinking.

Conclusion: To maintain and promote the health of beliefs and ideas, we should pay attention not only to the epistemological factors that influence thinking, such as the existence of knowledge and checking the correctness of arguments, but also to psychological factors that cause bias and hinder correct thinking. Intellectual virtues, such as the ability to recognize the the most important facts, sensitivity to detail, fairness in evaluating the arguments of othersand intellectual humility must also be nurtured.

Keywords: Critical thinking, Desire, Fear, Non-cognitive factors in cognition

Please cite this article as follows: Bagherinia H, Bahrami F, Akbari Amraghan H, Zakeri H. The Health of Beliefs: Explaining the Role of Psychological Factors in Avoiding Critical Thinking According to the Teachings of the Qur'an. *J Religions & Health*. 2023; 1(3): ---. DOI: 10.32592/jorh.1.2.---

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]

Copyright © 2023 Journal of Religions and Health. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cite

JOHE
مجله بین رشته ای دین و سلامت ابن سینا
دوره ۱، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۲، صفحات:----
https://aijrh.umsha.ac.ir/
UMSHA Press



مقاله پژوهشی

سلامت باورها؛ تبیین نقش عوامل روان‌شناختی در اجتناب از انتقادی‌اندیشی با نظر به آموزه‌های قرآنی

حسن باقری نیا[۱*]، فاطمه بهرامی[۲]، حسین اکبری امرغان[۳]، هیوا ذاکری[۴]

۰۱ استادیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
۰۲ استادیار روانشناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه حکیم سبزواری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
۰۳ استادیار، گروه مشاوره و روانشناسی ،دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران
۰۴ دانشجوی روانشناسی دانشگاه حکیم سبزواری، گروه علوم تربیتی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۴
تاریخ ویرایش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰
تاریخ انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

* **نویسنده مسئول:** حسن باقری نیا، گروه علوم تربیتی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

ایمیل: hbagherinia@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: هدف دین‌داری رسیدن انسان به زندگی پاک است که در آن، اندیشه‌ورزی جایگاهی مهم دارد. در خصوص عوامل مؤثر بر اندیشه‌ی درست، در کنار عوامل شناختی، برخی عوامل غیرشناختی مانعی برای سنجشگرانه‌اندیشی و در نتیجه، ایجاد آسیب در سلامت اندیشه است. هدف این پژوهش تبیین عوامل روان‌شناختی و غیرمعرفتی در پرهیز از اندیشه‌ی سنجشگر است.

مواد و روش‌ها: روش این پژوهش تجزیه‌وتحلیل مفاهیم با نظر به شبکه‌ی معنایی و مقایسه‌ی مفاهیم مترادف و متضاد است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ترس‌ها و تمایل‌ها که شامل عادت، آرزومندانه‌اندیشی، جمع‌گرایی افراطی و عجله برای رسیدن به قطعیت و یقین‌های روان‌شناختی می‌شوند، جزء عوامل غیرمعرفتی هستند که در پرهیز از سنجشگرانه‌اندیشی نقش دارند.

نتیجه‌گیری: برای حفظ و ارتقای سلامت باورها و عقیده‌ها، باید علاوه بر توجه به عوامل معرفتی مؤثر در اندیشه‌ورزی همچون برخورداری از علم و بررسی صحت استدلال‌ها، به آن عوامل روان‌شناختی که باعث ایجاد سوگیری و مانع اندیشه‌ی درست می‌شوند، توجه کرد و فضایل فکری همچون توانایی تشخیص واقعیت‌های برجسته، حساس بودن به جزئیات، انصاف در ارزیابی حجت‌های دیگران، تواضع فکری و ثبات و پشتکار فکری را پرورش داد.

واژگان کلیدی: سنجش گرانه‌اندیشی، عوامل غیرمعرفتی در شناخت، ترس، تمایل

استناد: باقری نیا، حسن؛ بهرامی، فاطمه؛ اکبری امرغان، حسین؛ ذاکری، هیوا. سلامت باورها؛ تبیین نقش عوامل روان‌شناختی در اجتناب از انتقادی‌اندیشی با نظر به آموزه‌های قرآنی. مجله بین رشته ای دین و سلامت ابن سینا، ، تابستان ۱۴۰۲؛۱(۳): ---.

مقدمه

بعد شناختی در انسان بعدی مستقل و جدا از ابعاد دیگر وجود او نیست، به‌طوری که هنگامی که در پی تحصیل شناخت می‌رود، تنها با قوای شناختی خود سروکار ندارد. انسان موجودی است که علاوه بر قوه‌ی شناخت، گرایش‌ها، خواست‌ها و نیازهایی در وجود او هست که این جنبه‌ها منفک از بعد شناختی او نیستند؛ یعنی انسان حتی هنگامی که روی به پدیده‌ها می‌کند، متأثر از نیازها، خلق‌وخو، منش و شخصیت خود است [۱].

به نظر می‌آید که بعد عاطفی و بعد ارادی وجود انسان، در صورتی که به‌درستی پرورش یابند، می‌توانند راهنمایان قابل اعتمادی برای دستیابی به حقیقت باشند و در غیر این صورت، مانعی بر سر راه نیل به معرفت می‌شوند. ازاین‌رو، بشر فقط در بعد شناختی خلاصه نمی‌شود، بلکه احساسات، عواطف و اراده هم دارد و امکان دارد که در مسیر شناختی خود، از تأثیر آن‌ها برکنار نباشد. شناخت‌شناسی در پی درک آن است که انسان‌ها چگونه باورهایشان

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]

را پدید می‌آورند و دگرگون می‌سازند.

طرح مسئله‌ی تأثیر عوامل غیرشناختی بر دانش در مقاله‌ی «اراده‌ی معطوف به باور» ویلیام جیمز، نظر شناخت‌شناسان را به این بحث اساسی معطوف کرده است که تحصیل معرفت چه‌بسا تنها از مسیر معیارها و شاخصه‌های معرفتی صرف عبور نمی‌کند، بلکه چون بسیاری از باورهای انسان از طریق بیم‌ها و امیدها، عشق‌ها و نفرت‌ها و منفعت‌های شخصی حاصل می‌شوند، پاک‌سازی ساحت‌های غیرشناختی انسان از رذایل و آراستن آن‌ها به فضایل در دستیابی او به حقیقت مؤثر است [۲].

بنابراین، انسان در مسیر دستیابی به شناخت، از خواسته‌ها و میل‌های خود جدا نمی‌شود و تنها آنجایی عقلانی‌تر می‌اندیشد که موضوع بحث از حوزه‌ی منفعت‌ها و خواسته‌های فردی و جمعی وی فاصله می‌گیرد و به‌محض اینکه این فاصله کم می‌شود، به سهولت نمی‌تواند تابع ضوابط منطقی در فکر باشد. به نظر می‌آید استدلال وقتی عینی شمرده می‌شود که از خواست‌ها (wants)، علاقه‌ها (interests) و میل‌ها (desires) متأثر نشده باشد و ازاین‌رو می‌توان گفت که قلبی نیک‌آراسته (properly disposed heart) برای درک قوت آن استدلال‌ها و ارزیابی صحیح آن‌ها لازم است. در حقیقت، گاه، اقناع عقلی به‌دلیل موانعی که خواست‌ها، میل‌ها یا علاقه‌ها در انسان پدید می‌آورند، با مشکل مواجه می‌شود و البته، نه به‌دلیل اینکه حجت و شواهد کافی در اختیار نیست. ازاین‌رو، بدیهی است که کار آزادانه‌ی عقل می‌تواند تحت‌تأثیر انواع پیش‌داوری‌ها و تعصب‌ها و سایر عوامل غیرشناختی قرار گیرد.

پژوهش‌های روان‌کاوی نشان داده است که عوامل ناپیدا و پنهان روانی فراوانی، بی‌آنکه آگاهانه باشند یا فرد آن‌ها را بخواهد، بر شناخت‌ها و تصمیم‌گیری‌های او اثر می‌گذارند؛ بنابراین، رأی و باور انسان‌ها نه همیشه به‌واسطه‌ی گذر معرفت‌شناختی (استدلال و منطق) که گاهی و به‌ویژه در خصوص توده‌ی مردم، در نتیجه‌ی گذر روان‌شناختی (تمایلات و هیجانات) شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، به نظر می‌آید که انفعال (passion)، میل (desire) و عاطفه (emotion) را نمی‌توان از فرایند استدلال خارج کرد.

در خصوص تأثیر عوامل غیرشناختی بر شناخت، به‌عنوان نمونه، می‌توان به افرادی اشاره کرد که به‌خاطر ترس و تمایل، در باورهای خود سخت‌گیر و انعطاف‌ناپذیر هستند و حاضر نیستند نظر دیگران را بشنوند. چنین وابستگی فکری و اعتقادی را می‌توان «تعصب» نامید که بر فرایند و نتیجه‌ی شناخت فرد تأثیرگذار است [۳]. آدمی در تلاش برای یافتن آگاهی قابل اعتماد در جهان است و قوه‌ی عقل او را در این مسیر راهنمایی می‌کند. عقلانیت در انسان‌ها شامل فرایندهای ذهنی تشخیص، تحلیل و ارزیابی داده‌ها است [۴]. انتقادی بودن به معنای سنجشگرانه فکر و عمل کردن است. در عرصه‌ی نظر، دو گونه اندیشه‌ی انتقادی تصور می‌شود: یکی خودخواهانه یا سفسطه‌ای که فرد سعی می‌کند با استفاده از قدرت تحلیل خود، به منافعی شخصی برسد و دیگری درست‌بینی یا بی‌طرفی که در آن، فرد سعی می‌کند تمام جوانب امر را به‌صورت یکسان و بدون رجحان دادن به دلایل احساسی و منفعت‌طلبانه ببیند. ازاین‌رو، فردی که انتقادی می‌اندیشد، می‌تواند پرسش‌های مناسب طرح کند و اطلاعات مربوط را جمع‌آوری کند و سپس، با خلاقیت، آن‌ها را دسته‌بندی و تحلیل و ترکیب کند و در پایان، به نتیجه‌ای مطمئن درباره‌ی مسئله برسد [۵].

در بررسی متون مرتبط، به پژوهش ارزشمند مارتین سلیگمن در خصوص فضایل ۲۴گانه‌ی اخلاقی رسیدیم. برخی از این حوزه‌های شش‌گانه، همچون فضیلت خرد، شجاعت و میانه‌روی، از مجموعه‌ی ۲۴ فضیلت اخلاقی به جنبه‌های غیرمعرفتی اندیشه‌ورزی اشاره می‌کنند که آن را به‌طور مختصر، بررسی خواهیم کرد.

سلیگمن در دسته‌ی اول، به فضایل حوزه‌ی خرد و دانش اشاره می‌کند: «خرد شامل دانش وسیع و عمیق درباره‌ی شرایط زندگی و امور انسانی و قضاوت متفکرانه درباره‌ی کاربرد این دانش است. خرد قضاوت و توصیه‌ی خوب درباره‌ی مسائل مهم، اما نامعلوم زندگی است.» اریکسون (Erikson) عقیده دارد که خرد پیامد گذار موفقیت‌آمیز از آخرین مرحله‌ی روانی‌اجتماعی بزرگ‌سالی (تمامیت فردی در برابر ناامیدی) است؛ بنابراین، این فضیلت دانشی معرفی می‌شود که برای به دست آوردن آن به سختی، تقلا و تلاش نیاز است و سپس، از آن برای به دست آوردن چیزهای پسندیده و نیکو استفاده می‌شود. توانمندی‌هایی که خرد را نشان می‌دهند، آن‌هایی هستند که شامل فراگیری و استفاده از دانش در امور انسانی باشند؛ مانند خلاقیت، کنجکاوی، قضاوت و آینده‌نگری [۶].

توانمندی‌منشی دیگری که به نقش عوامل غیرمعرفتی اندیشه‌ورزی اشاره می‌کند، شجاعت است. تعریف شجاعت تنها به فعالیت‌های شگفت‌آور محدود نمی‌شود. شاید بتوان شجاعت اخلاقی را مهم‌ترین نوع شجاعت به حساب آورد. پس شجاعت هم جنبه‌ی درونی دارد، هم جنبه‌ی بیرونی؛ یعنی شجاعت تنها از فعالیت‌های مشاهده‌پذیر تشکیل نشده است، بلکه شامل تصمیم‌ها، انگیزه‌ها، هیجان‌ها و شناخت‌هایی است که به این فعالیت منجر می‌شوند. بنابراین، هرچند بیشتر مثال‌هایی که مطرح شده است شامل نوع فیزیکی و جنگ و مبارزه است، همه‌ی جنبه‌های شجاعت باید در نظر گرفته شود. هرچند منظور از شجاعت بیشتر دلیری فیزیکی است، شجاعت صداقت و پشتکار را هم شامل می‌شود. شجاعت تمام فعالیت‌های مشتاقانه است برای تسلط بر چیزی که به‌علت اموری مثل امنیت، آسایش و راحتی، به‌سادگی می‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. منظور انجام دادن آن چیزی است که درست می‌نماید؛ حتی زمانی که ممکن است فرد در قبال این عمل، چیزهای زیادی را از دست بدهد. بدیهی است که فضیلت شجاعت و به‌ویژه شجاعت اخلاقی در سنجشگرانه‌اندیشی نقش مهمی دارد.

فضیلت بعدی مرتبط با سنجش گرانه‌اندیشی میانه‌روی (Temperance) یا اعتدال است. هنگامی که از میانه‌روی یا همان

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]

پرهیز از افراط و تفریط سخن می‌گوییم، در واقع، به زبان روان‌شناسی، این مفهوم به خودکارآمدی (Self-efficacy) یا خودتنظیمی (Self-regulation) تبدیل می‌شود؛ یعنی توانایی برای بازبینی و مدیریت هیجان‌ها، انگیزه‌ها و رفتار فرد در غیاب کمک بیرونی. نبود این توانمندی به انواعی از مشکلات شدید فردی و اجتماعی منجر می‌شود. هرچند همه‌ی شواهد نشان می‌دهند که افراط و زیاده‌روی بد و ناسالم است، بدین معنا نیست که همه‌ی خویشتن‌داری‌ها خوب‌اند. با توجه به جنبه‌ی خوب آن، داشتن توانمندی شخصیتی به معنای داشتن توانایی است برای آنچه درست و پسندیده است و پرهیز از آنچه نادرست و ناپسند تلقی می‌شود؛ بنابراین، میانه‌روی نوعی از خویشتن-داری و ازخودگذشتگی است که در نهایت، برای خود فرد و دیگران سودمند است. احتیاط (prudence) (حزم و دوراندیشی) و تواضع (humility) مواردی مهم از این فضیلت هستند. بدیهی است که این فضیلت به‌خاطر نقش مهمی که در مهار تکانه‌ها دارد، در نحوه‌ی اندیشیدن تأثیر مهمی بر جای می‌گذارد [۷].

از آنچه گفته شد، روشن است که تاکنون در پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی بومی کمتر به نقش عوامل روان‌شناختی در جلوگیری از تفکر انتقادی توجه شده است. در این پژوهش، بر آنیم که تأثیر عوامل روان‌شناختی را که مانع تفکر منطقی و انتقادی می‌شوند، شناسایی کنم. ازاین‌رو، پرسش اصلی این پژوهش این است که با نظر به آموزه‌های قرآنی، عوامل روان‌شناختی مؤثر در پرهیز از سنجشگرانه‌اندیشی کدام‌اند.

روش کار

در باب روش‌شناسی، از روش‌های تحقیق کیفی و تحلیلی بهره گرفته شده است. روش تحلیل و تفسیر مفهومی از جمله‌ی این روش‌هاست که می‌تواند به‌شکل‌های مختلف، همچون بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی ترادف کلمات و عبارات، تحلیل برحسب مفهوم متضاد و تحلیل برحسب شبکه‌ی معنایی باشد [۸]. هنر روش‌های تحلیل کیفی و تحلیلی این است که باورها را از محاق ناخودآگاه بیرون می‌آورد و زیر تیغ نقد و تحلیل می‌برد. در فرایند بازشناسی باورها، روش‌های تحلیلی است که از خلط شدن باورهای به‌دست‌آمده از گذر روان‌شناختی با باورهای به‌دست‌آمده از گذر معرفت‌شناختی پیشگیری می‌کند و سپس، به واکاوی و سنجش آن‌ها می‌پردازد.

نتایج

بدیهی است که در تفکر انتقادی، عوامل معرفت‌شناختی (epistemologic) نیز نقش دارند؛ اما در این پژوهش، تنها به عوامل روان‌شناختی پرداخته می‌شود. در ادامه، عوامل روان‌شناختی فردی و جمعی مؤثر در پرهیز از تفکر انتقادی را با نظر به آموزه‌های قرآنی تحلیل و تبیین می‌کنیم.

ترس‌ها (Fears)

ترس واکنشی احساسی به تهدید یا خطر است که می‌تواند در قبال عوامل درونی یا بیرونی باشد. گاه، انسان به‌دلیل ترس از پیامدهای اندیشه‌اش از تفکر انتقادی فاصله می‌گیرد. یکی از این پیامدها ترس از ارزیابی منفی و تمایزیافتگی در گروه همسالان است که به موجب آن، فرد از تفکر انتقادی فاصله می‌گیرد [۹]. مواجه شدن با واقعیت‌ها و حقیقت‌ها کار آسانی نیست و مستلزم غلبه بر این نوع ترس است. گاهی، ایستادگی در مقابل غوغای محیط، هجوم افکار عمومی یا اکثریت محافظه‌کار و کم‌جرئت، بدون دشواری نیست؛ ازاین‌رو، انتقادی اندیشیدن جرئت می‌خواهد. انسانی که انتقادی می‌اندیشد، خود را منشأ عمل خود می‌داند و ازاین‌رو، فشارهای اجتماعی نمی‌تواند او را به محافظه‌کاری در باورهایش سوق دهد. بلکه او قادر است از چشم‌اندازی فراتر به باورهایش بنگرد و آن‌ها را به‌شکل واقع‌گرایانه نقد و ارزیابی کند و در مقابل فشارها مقاومت ورزد. افراد دارای این نوع تفکر ویژگی‌هایی دارند که می‌تواند عزت‌نفس شخصی و اجتماعی آن‌ها را افزایش دهد؛ از جمله تلاش مستمر برای پیشرفت که خود می‌تواند عزت‌نفس فرد را تحت‌تأثیر قرار دهد و به بی‌تعصبی در قضاوت‌ها، آگاهی و هوشیاری فرد در زمینه‌ی نقاط ضعف و قوت خود منجر شود [۱۰]. ازآنجایی‌که باورهای انسان به او هویت می‌بخشد، گاهی او از پیامدهای اندیشه‌اش می‌ترسد؛ زیرا ممکن است به این نتیجه برسد که تاکنون در اشتباه بوده و با باورهای نادرست خود مرتکب اشتباه‌های زیادی شده است یا حتی فراتر از آن، شاید به خودش و دیگری صدمات و خساراتی را وارد کرده باشد. بدیهی است که تحمل این وضعیت کار آسانی نیست و انسانی که باورهای خود را نقد می‌کند، می‌تواند این جسارت را داشته باشد و بپذیرد که باورهایش ممکن است غلط باشند.

متن آیه	مضمون آیه
و لا یخافون لومه لائم	نترسیدن از سرزنش
الا ان اولیاالله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون	اولیای خدا ترسی [از فشارهای اجتماعی و...] ندارند و [به‌خاطر تأیید نشدن از سوی دیگران] اندوهگین نمی‌شوند.

در آیات فوق، ویژگی اهل ایمان این‌گونه برشمرده شده است که از سرزنش دیگران ترسی به دل راه نمی‌دهند و دچار حزن و اندوه [ناشی از قدرت و قضاوت دیگران] نمی‌شوند.

تمایلات (Desires)

همیشه تمایلات انسان به حقیقت‌جویی و سنجشگرانه‌اندیشی نیست. گاهی، انسان خواهان و آرزومند نتایجِ درستی عقیده است؛ یعنی با سوگیری مشخص، تمایل دارد که عقیده‌اش را درست بداند

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]

و به شواهد مخالف با عقیده‌ی خود عامدانه بی‌توجهی می‌کند. خواسته‌ها و تمایل‌ها سبب می‌شوند که انسان‌ها عموماً خواهان پذیرش بی‌چون‌وچرای باورهای حاکم باشند و از نپذیرفتن باورهای مرسوم دیگران یا جامعه، به‌خاطر انسان‌هایی که اطراف او هستند، ترس دارند. ازاین‌رو، می‌توان گفت که ترس و طمع دو روی یک سکه‌اند [۱۱]. نکته‌ی دیگر این است: ازآنجایی‌که فرد بر عقاید خود سرمایه‌گذاری می‌کند (حتی اگر این کار را نکند)، باورهایش برایش ارزش تلقی می‌شوند و به او هویت می‌دهند و انسان‌ها از اینکه سرمایه‌ی خویش را از دست بدهند، متنفّرند، حال آنکه این سرمایه برای عقایدشان صرف شده باشد؛ ازاین‌رو، تمایل دارند عقایدشان را درست تلقی کنند.

متن آیه	مضمون آیه
و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلما و علوا	تمایلات سبب لجبازی و حق‌ناپذیری می‌شوند.
بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ	تمایلات سبب طغیانگری و تکذیب قیامت می‌شوند.
انهم یرونه بعیدا و نراه قریبا	آن‌ها روز حساب را دور می‌بینند، درحالی‌که نزدیک است.

تفکر آرزومندانه (Wishful thinking)

پندار آرزومندانه یعنی شکل‌گیری باور و تصمیم‌گیری بر پایه‌ی مطالبی که شاید خوشایند به نظر آیند، ولی دور از شواهد و منطق و واقعیات هستند. مطالعات گوناگون نشان داده‌اند که در شرایط برابری تمام عوامل دیگر، افراد دارای پندار آرزومندانه نتایج مثبت را بیشتر از نتایج منفی احتمال می‌دهند. به‌طور کلی، دختران در مقایسه با پسران بیشتر از تفکر آرزومندانه برای کنار آمدن با مشکلاتشان استفاده می‌کنند [۱۲]. بوکر پندار آرزومندانه را چنین تشریح می‌کند: اگر انسان به‌جای توجه به واقعیات، به پندارهای موهوم توسل جوید و خاطر را به آن‌ها خوش دارد، ممکن است چند صباحی که شاید بتوان آن را «مرحله‌ی رؤیا» نامید، همه‌چیز بر وفق مراد به نظر آید؛ ولی چون این داستان ذهنی هرگز با واقعیت سر سازگاری نخواهد داشت، ادامه‌ی آن در زمان گردش مسیر وقایع به‌سمت نامطلوب، به «مرحله‌ی نومیدی» منجر می‌شود. چون همه‌چیز نامطلوب می‌شود، تراکم فشار واقعیت به «مرحله‌ی کابوس» منجر می‌شود که نهایت آن «انفجار درون واقعیت» است و آن هنگامی است که آن توهم بالاخره در هم فرومی‌ریزد. واژه‌ای که قرآن برای چنین حالتی استفاده کرده، «امانی» (جمع امنیه) است؛ یعنی تمایل‌ها و آرزوهایی که شخص یا ملت برای خود تصور می‌کند و انتظارش را می‌کشد. در ریشه و اصل این کلمه مفهوم «تقدیر و اندازه‌گیری» نهفته است. آرزوها را «امانی» می‌گویند؛ چون به‌تدریج، در ذهن آدمی طراحی، تصور و تقدیر (قدر و اندازه) می‌شود.

متن آیه	مضمون آیه
يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا	وعده دادن و آرزوهای وهمی ایجاد کردن از ویژگی‌های کارهای شیطانی است.
لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ ۗ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا	حساب‌وکتاب هستی پندار پوچ شما و اهل کتاب نیست، بلکه هر عمل عقوبتی دارد.

عادت

به کاری که در اثر تکرار، چنان در طبع آدمی جایگزین و پذیرفته شود که انجام همواره و پی‌درپی آن آسان، خوشایند و در نتیجه، ترک آن دشوار و ناخوشایند شود، عادت می‌گویند. در این صورت، افراد با تکرار عملی خاص و مداومت بر شیوه‌های خاص زندگی، با آن‌ها انس می‌گیرند و گاه می‌پندارند اگر فردی به کاری که دارای اشکالات و نواقص است عادت کند، باعث جواز انجام آن کار برای او می‌شود.

تغییر الگوهای ذهنی کار آسانی نیست. خوگرفتن به برخی الگوهای شکل‌گرفته‌ی قبلی به جنبه‌ای نسبتاً ثابت در شخصیت تبدیل می‌شود و تغییر آن به وقت و انرژی زیادی نیاز دارد. تولید یا ارزیابی عقاید دیگر که شیوه‌ای خلاف عادت است، دشوار است. گاهی، عقاید پیشنهادی فهمیده نمی‌شود؛ بنابراین، انسان ترجیح می‌دهد به همان الگوی‌های ذهنی از قبل موجود خود بسنده کند و گاهی نیز فرد حاضر نیست زمان و تلاش صرف کند و ازاین‌رو، تنبلی مانعی برای ترک عادات فکری و اعتقادی است. نکته‌ی مهم دیگر اینکه نقاد بودن هیچ نوع بهبودی در عقاید انسان را تضمین نمی‌کند و ازاین‌رو، تغییر الگوهای ذهنی ممکن است از جانب فرد متکی بر عادات، امر بیهوده‌ای تلقی شود که هیچ ثمره‌ای به دنبال ندارد.

البته، آداب و رسوم به‌خودی‌خود زشت و ناپسند نیستند، بلکه مغالطه وقتی رخ می‌دهد که گروهی با اینکه خطا بودن برخی از این آداب را فهمیده‌اند، باز دست از آن‌ها برنمی‌دارند یا تنها استدلالشان برای انجام دادن آن کار ادامه دادن راه و روش گذشتگان است.

متن آیه	مضمون آیه
انا اطعنا سادتنا و کبرائنا	تبعیت از بزرگان زحمت فکر کردن را از آدمی برطرف می‌کند.
ولا تقف ما لیس لک به علم	تبعیت بدون داشتن علم

تمایل به یقین و قطعیت (certainty) در پرتو امور ظنی

تحمل موقعیت‌های مبهم و ساختن با آن کار آسانی نیست.

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]

اغلب انسان‌ها تمایل دارند هر آن چیزی را که آن‌ها را از حالت بی‌تعادلی شناختی خارج می‌کند، به چنگ آورند و به خود اطمینان و آرامش ببخشند؛ ازاین‌رو، انسان‌ها یقین را دوست دارند و از شک و تردید که سبب بی‌تعادلی روانی می‌شود، متنفرند.

متن آیه	مضمون آیه
ان الظن لا یغنی من الحق شیئا	گمان‌ها نباید مبنای حق باشند.
ان بعض الظن اثم	برخی گمان‌ها گناه هستند.

جمع‌گرایی

جمع به آدمی آرامشی می‌دهد که فرد به‌خاطر طرد نشدن از جمع، حاضر است با عقاید اشتباه جمع سازگار شود. فرد جمع‌گرا با گروه اهداف مشترک دارد؛ لذا، مشابه دیگر افراد رفتار می‌کند و دستورات اجتماعی را به‌عنوان هنجار می‌پذیرد و آن‌ها را تردیدناپذیر تلقی می‌کند. در جامعه‌ی فردگرا، فرد اجازه می‌یابد عقلانی‌تر عمل کند و به بسیاری از سنت‌های بسته‌بندی‌شده و یقینی قبلی تردید ورزد. توانایی دیگر بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه‌های مختلف زندگی خود است [۱۳].

متن آیه	مضمون آیه
لا یخافون لومه لائم	از سرزنش نمی‌ترسند.
اولیا الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون	اولیای خدا به‌خاطر عده‌ای قلیل، ترس ندارند و محزون نمی‌شوند.

بحث

از آنچه گفته و تبیین شد، مشخص می‌شود که میان استدلال‌های عقلانی درست (good rational arguments) و شرایط ضروری برای پذیرش آن‌ها تمایز وجود دارد و عوامل فراوان غیرمعرفتی بر شناخت‌های انسان تأثیرگذار هستند؛ یعنی همیشه چنین نیست که فرد استدلالی قوی برای اثبات امور نداشته باشد، بلکه گاهی، جنبه‌ی عاطفی و ارادی وجود او امکان ارزیابی صحیح را نمی‌دهد. مثل وقتی که فردی، حتی اگر پزشک باشد، ممکن است استدلال مناسبی ضد سیگار کشیدن داشته باشد؛ اما میلی که به آن دارد، مانع از تشخیص قوت آن استدلال می‌شود. در اینجا، آنچه لازم است، نه حجتی بهتر و مناسب‌تر، بلکه تغییر جهتی در امیال فرد است. بنابراین، عوامل غیرمعرفتی همچون خودفریبی (self-deception)، پیش‌داوری (prejudice)، خوددوستی (self-interest) و سایر عوامل انفعالی (passional factors) فهم قوت استدلال‌ها را برای فرد دشوار می‌کند. ضمناً، این خطاها نمی‌توانند با به‌کارگیری قواعد دکارت برای درست اندیشیدن، موازین لاک برای تنظیم تصدیق یا روش‌هایی از این دست تصحیح شوند. آنچه لازم است، مجموعه‌ای از کمالاتی است که خود جلوه‌ی صفات شخصیتی اخلاقاً مطلوب و احساس‌هایی نیک‌نظام‌یافته (rightly ordered affactions) است. بنابراین، می‌توان گفت نقایصی که تعقل بشر را معیوب می‌کنند، عمیقاً در ذات بشر ریشه دارند و تنها می‌توانند به‌واسطه‌ی فضایل شایسته از بین بروند و بسیاری اوقات، آنچه انسان‌ها آن را عقل سلیم یا فهم عرفی می‌خوانند و بر مبنای آن حکم می‌کنند، چیزی جز هوس‌ها و میل‌های آن‌ها نیست و بیم‌ها و امیدها، نیازها، میل‌ها، تمناها (longings)، غریزه‌ها (instincts) و پیشگویی‌های (divinations) فرد گاه، به‌درستی، بر ارزیابی او از پیکره‌ی استدلال‌ها تأثیر می‌گذارند. ازاین‌رو، شناخت بشر همیشه بی‌تأثیر از احساس‌ها و خواست‌های او نیست. مثلاً حسادت، غرور و اصرار بر محکم ساختن پیش‌داوری‌ها به‌سهولت می‌توانند مانع شناخت شوند. شخصی که عزت‌نفس کافی ندارد و نیازی نامعقول دارد به اینکه محبت دیگران را دریافت کند، می‌تواند به‌سوی راحت‌طلبی فکری مایل شود. شخص خودپرست می‌خواهد راه خود را در پیش گیرد و این مستلزم این است که بخواهد برحق باشد؛ بنابراین، در برابر اثبات اشتباه در باورهایش مقاومت می‌ورزد. اگر باور او مربوط به یکی از عناوین مورد مناقشه‌ی رایج باشد، خودپرستی او می‌تواند سبب مطالعه‌ی تنها آن مقالاتی شود که از موضع خود وی حمایت می‌کنند یا مسائل سیاسی را تنها با آنان که با او مشابهت فکری دارند، به بحث می‌گذارد یا اگر فیلسوف باشد، با اینکه ممکن است دعوت به مناظره کند، نقادی‌های مربوط به موضع خود را منصفانه ارزیابی نمی‌کند و بخش زیادی از توان فکری خود را صرف پیروزی در بحث می‌کند. در این صورت، او نقاط ضعفی فکری دارد که مانع واقعیت‌بینی می‌شوند.

نمونه‌هایی از تکنیک‌ها و فضیلت‌های فکری که می‌توانند به بهبود وضعیت شناختی افراد کمک کنند، عبارت‌اند از: توانایی تشخیص واقعیت‌های برجسته (the ability to recognize the salient facts)، حساس بودن به جزئیات، انصاف در ارزیابی حجت‌های دیگران (fairness in evaluating the arguments of others)، تواضع فکری (intellectual humility) و ثبات و پشتکار فکری (intellectual perseverance) [۱۴].

نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد که ترس‌ها و تمایل‌ها که شامل عادت، آرزومندانه‌اندیشی، جمع‌گرایی افراطی، عجله برای رسیدن به قطعیت و یقین‌های روان‌شناختی هستند، جزء آن عوامل غیرمعرفتی‌اند که در پرهیز از سنجشگرانه‌اندیشی نقش دارند. ازاین‌رو، برای حفظ و ارتقای سلامت باورها و عقیده‌ها، باید علاوه بر توجه به عوامل معرفتی مؤثر در اندیشه‌ورزی همچون برخورداری از علم و بررسی صحت استدلال‌ها، به آن دسته از عوامل روان‌شناختی که باعث ایجاد سوگیری و مانع اندیشه‌ی درست می‌شوند، توجه کرد و فضایل فکری همچون توانایی تشخیص واقعیت‌های برجسته، حساس بودن به جزئیات، انصاف در ارزیابی حجت‌های دیگران، تواضع فکری و ثبات و پشتکار فکری را پرورش داد.

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]

تشکر و قدردانی

از همکاران گرامی کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه حکیم سبزواری که با تهیه‌ی منابع به انجام این پژوهش کمک کردند، قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

هدف این پژوهش تقریر حقیقت در حد وسع و پاسخ به مسئله‌ای بوده که در ذهن پژوهشگران شکل گرفته بود و هیچ‌گونه تضاد منافعی در انجام این پژوهش وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

به ملاحظات اخلاقی در انجام این پژوهش شامل رعایت امانت در نقل‌قول‌ها و سایر موارد اخلاق پژوهشی توجه شده است.

سهم نویسندگان

نویسنده اول: طرح و بیان مسئله، دسته‌بندی آموزه‌های قرآنی، روش پژوهش و یافته‌ها نویسنده دوم: مطالعه پیشینه در روانشناسی معاصر نویسنده سوم: مطالعه و خلاصه‌نمودن پیشینه در منابع اسلامی نویسنده چهارم: بحث و نتیجه‌گیری و مرتب کردن منابع

حمایت مالی

نویسندگان در انجام این پژوهش حمایت مالی از هیچ شخص یا موسسه‌ای دریافت نکرده‌اند.

REFERENCES

1. Bahadori B, Niknam Z, Mosapoure N, Bagheri Noaparast K. Understanding Teacher-Student Classrooms Interactions from the Perspective of “Human as an Agent” Theory. Journal of Curriculum Studies. *2022;***17***(65):133-58.*
2. Magnus PD. William James on risk, efficacy, and evidentialism. Episteme. 2022;**19**(1):146-58. *DOI: 10.1017/epi.2020.17*
3. Ḥusaynī SḤ, Rajabī MR. The Semantic and Epistemological Position of Mystery From the Viewpoints of Gabriel Marcel and Muṣṭafā Malikiyān. Journal of Contemporary Islamic Studies (JCIS). 2022;**4**(1):129-38. *DOI: 10.22059/jcis.2022.83259*
4. Paul R, Niewoehner R, Elder L. The thinker's guide to engineering reasoning: Based on critical thinking concepts and tools. Rowman & Littlefield; 2019.
5. El Soufi N, See BH. Does explicit teaching of critical thinking improve critical thinking skills of English language learners in higher education? A critical review of causal evidence. Studies in educational evaluation. 2019;**60**:140-62. *DOI: 10.1016/j.stueduc.2018.12.006*
6. Mahavarpoor F, Asadi S, Bakhshayesh AR. Development of changes in virtues and character strengths in adulthood with regard to gender differences. Positive Psychology Research. 2019;**5**(1):71-88. *DOI: 10.22108/ppls.2019.114202.1582*
7. Hajibabaeei H, Yazdanpanah M. the moderate insight from the view points of the muslim scholars Farabi and Qazali. *Theological–Doctrinal Research (Islamic Azad University-Saveh Branch)*. 2020;**39**(3):193.
8. Bagheri Noaparast K. Challenges Facing the Philosophy of Education in the Twenty-First Century. InEducational Theory in the 21st Century: Science, Technology, Society and Education. *Singapore.* 2022:3-23. *DOI: 10.1007/978-981-16-9640-4_1*
9. The Relationship Between Critical Thinking, Differentiation of Self and Fear of Negative Evaluation with Social Adjustment in Students. *Social Psychology Research*. 2016;**6**(22).
10. Amirpour B. Relationship of critical thinking and its dimensions with university students’ social self-esteem and happiness. Education Strategies in Medical Sciences. 2012;**5**(3):143-47.
11. Westphal M, Malekian M. Taking St. Serously: Sin as an Epistemological Category. Journal of Religious Thought : A Quarterly. *Journal of Shiraz University*. 2013;**1**(2):42-43.
12. Krizan Z, Windschitl PD. Wishful thinking about the future: Does desire impact optimism?. Social and Personality *Psychology Compass*. 2009;**3**(3):227-43.. DOI: 10.1111/j.1751-9004.2009.00169.x
13. Azadeh MA, tavakoli A. Individualism, Communalism and Religiosity. *Cultural Studies & Communication*. 2007;**3**(9):101-126.
14. Baehr J. Educating for intellectual virtues: From theory to practice. Education and the growth of knowledge: Perspectives from social and virtue epistemology. 2013 **25**:106-23.DOI: 10.1002/9781118721254.ch6

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-31]